



### The ontological challenge of imprisonments of less than three months in Iranian criminal law

Alireza Rahmaninaimabadi<sup>1</sup>

#### Abstract

**Field and Aims:** One of the important topics in criminal law and applied criminology is the impact and feedback of imprisonment for less than three months. This issue plays a particularly significant role in our criminal law due to ambiguity surrounding its existence. Therefore, this paper aims to examine the challenge of the existence or non-existence of imprisonment for up to three months, with a focus on the Islamic Penal Code, and determine whether a more measured approach can be adopted in this regard. Despite the legislator's intention to eliminate imprisonment for less than three months, traces of this punishment can still be found in criminal regulations, which calls for a more careful and thoughtful approach.

**Method:** This paper is based on a descriptive and analytical method.

**Findings and Conclusions:** Due to the adverse consequences of imprisonment, our legislator has considered replacing sentences of less than three months with fines since 1307. This process in our criminal law, especially after the revolution, has undergone many fluctuations. Eventually, the legislator replaced the three-month imprisonment with alternative punishments. However, in the context of enforcement guarantees for some penalties, such as supplementary punishments, deferrals, etc., this issue was overlooked, leading to the subtle persistence of imprisonment in our criminal law. It is now appropriate for the legislator, considering the country's culture and the achievements of applied criminology, to revise and amend the law to eliminate imprisonment for up to three months.

**Keyword:** punishment up to three months of imprisonment, Alternative punishments to imprisonment, Sanction. Fine.

\*Citation (APA): Rahmaninaimabadi, A. (2024). The ontological challenge of imprisonments of less than three months in Iranian criminal law. *Applied criminology research*, 2(3), 75-94.

[https://qacr.ir/article\\_717981.html?lang=en](https://qacr.ir/article_717981.html?lang=en)

1. Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. Email: Alireza.rahmaninaimabadi@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2041925.1026

سامانه: qacr.ir

## چالش هستی‌شناسی حبس‌های کمتر از سه ماه در حقوق کیفری ایران

علیرضا رحمانی نعیم آبادی<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مباحث مهم در بحث حقوق کیفری و جرم‌شناسی کاربردی، تأثیر و بازخورد حبس کمتر از سه ماه است که در حقوق کیفری ما به دلیل ابهام در وجودش، نقش آن را ویژه‌تر کرده است؛ لذا، در این نوشته سعی شده است که با تأکید بر قانون مجازات اسلامی، چالش وجود یا عدم وجود حبس تا سه ماه بررسی شود و مشخص گردد که می‌توان در این خصوص رفتاری سنجیده‌تر داشت؛ زیرا علی‌رغم نیت مقنن بر نبود حبس کمتر از سه ماه، باز می‌توان ردپای این کیفر را در مقررات کیفری یافت و این خود نیاز به نگرشی سنجیده و بایسته دارد.  
**روش:** این نوشته بر پایه روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

**یافته‌ها و نتایج:** به دلیل پیامدهای سوئی که کیفر حبس داشت، مقنن ما از سال ۱۳۰۷ به فکر جایگزینی حبس کمتر از سه ماه با کیفر جزای نقدی بود. این روند در حقوق کیفری ما به ویژه بعد از انقلاب دچار فراز و فرودهای زیادی بوده است تا اینکه مقنن کیفر سه ماه حبس را با مجازاتهای جایگزین تغییر داد، اما در زمینه ضمانت اجرای برخی کیفرها مانند مجازاتهای تکمیلی، تعویق و غیره، از این نکته غافل بود و باعث شد همچنان کفر تا سه ماه حبس به صورت کمرنگ در حقوق کیفری ما جایگاه داشته باشد و جا دارد که مقنن با توجه به فرهنگ کشور و دستاوردهای جرم‌شناسی کاربردی دست به تدوین و تغییر قانون در راستای حذف کیفر تا سه ماه حبس بزند.  
**کلیدواژه‌ها:** کیفر تا سه ماه حبس، مجازات‌های جایگزین حبس، ضمانت اجرا، جزای نقدی.

\* استناددهی (APA): رحمانی نعیم آبادی، علیرضا. (۱۴۰۳). چالش هستی‌شناسی حبس‌های کمتر از سه ماه در حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، ۷۵-۹۴.

[https://qacr.ir/article\\_717981.html](https://qacr.ir/article_717981.html)

## مقدمه

کیفر حبس یکی از کیفرهایی است که در طول تاریخ حقوق کیفری تحولات زیادی را به خود دیده است. از همان ابتدا که کیفر حبس در راستای سزادهی مرتکب پی‌ریزی شده بود (Braithwaite & petit, 1994: 126)، در کلیسا «مقررات توبه برای آن دسته از جنایاتی که مجازات آن با کلیسا نبود، کیفرهایی را شامل می‌شد که می‌بایست در صومعه (دیر) اجرا گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۵۰)». و حتی در سال ۸۱۷ میلادی، در جمع روحانیون مسیحی در روم، مقررات مربوط به اداره زندانها تصویب شد و تاکید شد که زندانها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشد (والهی و احسان پور، ۱۳۹۵: ۲۴۸). کیفر حبس با نظریاتی که اندیشمندان دفاع اجتماعی و به خصوص مارک آنسل ارائه داد، کم‌کم جای خود را در دنیای حقوق باز کرد (اکرمی و محمدیان، ۱۴۰۰: ۱۸). نگاه اصلاح و درمان به مجرم اما نه از حیث توبه، بلکه نگاه اصلاح و درمان به کارکردهای مجازات بدون مخالفت با حقوق کیفری موجب طرح مقوله‌های جدیدی در حقوق کیفری چون تشکیل پرونده شخصیت<sup>۱</sup>، فردی‌کردن قضایی مجازاتها<sup>۲</sup> و استفاده از جایگزینهای حبس شد تا در ادامه کیفر حبس در کنار اهداف اولیه‌ای که داشت، ناکارآمدی آن روشن گردد (hallevy, 2013: 149)؛ زیرا حبس‌های کوتاه‌مدت نمی‌توانست هدف توان‌گیری را به دنبال داشته باشد و به نوعی، داروی بدتر از درد بود و به همین دلیل، در اسلام کیفر حبس تنها در چند مورد محدود همانند جرم سرقت در مرتبه سوم و ارتداد پذیرفته شده بود که بیشتر جنبه مقدماتی و پیشگیری داشت و این خود یادآور اصلی است که به عنوان اصل حداقل بودن استفاده از کیفر حبس مورد توجه قرار گرفته است (اکرمی و محمدیان، ۱۴۰۰: ۲۶). در سطح بین‌المللی نیز این تفکرات جایگزین حبس مورد توجه قرار گرفته، زیرا بیانیه کادوما که در ۷ فوریه ۱۹۹۷ به تصویب رسید و بعداً، در قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۲۳ جولای ۱۹۹۸ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسید، در کنار بازپروری مجرمین، سه دلیل اصلی برای انتخاب مجازاتهای جایگزین ذکر کرده است: اول- عدم اثربخشی حبس به خصوص برای مجرمین حبس‌های کوتاه‌مدت. دوم- هزینه‌های اقتصادی بالای حبس برای کل جامعه. سوم- جمعیت کیفری بالای زندانها و نقض کرامت انسانی مجرم در آن.<sup>۳</sup>

1. Personality file

2. Judicial individualization of punishments

۳. در نشست تخصصی شصت‌وهفتمین که در توکیو برگزار شد و در مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، قسمت ۱۲ از این سند یک سری مقرراتی را به شرح زیر بیان داشته که می‌تواند حائز اهمیت باشد: در صورتی که مقامات صلاحیت‌دار برای اجرای اقدامات جایگزین حبس شرایطی را تعیین می‌کنند که باید از سوی مجرم

## مبانی نظری

در سطح داخلی، روند جایگزینی کیفرهای حبس سابقه‌ای دیرینه دارد؛ زیرا ابتدا در مجلس شورای ملی ۱۳۰۷/۲/۲۶ شمسی در قانون «امکان تبدیل حبس در امور خلافی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد، به جزای نقدی» بیان شده بود که «حبس در امور خلافی مطلقاً و همچنین، حبس که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد، قابل تبدیل به جزای نقدی است. محکمه باید در صورت تقاضای محکوم علیه، آن را به اختلاف موارد از قرار روزی پنج قران الی دو تومان به جزای نقدی تبدیل نماید.» که در صورت تقاضای محکوم علیه می‌توانست در همه حبس‌های امور خلافی و نیز در حبس‌های تا دو ماه، مجازات حبس را به جزای نقدی تبدیل نماید. ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی سال ۵۲ نیز در همین راستا و به صورت کامل‌تر بیان می‌داشت: «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد، از این پس به جای حبس، حکم به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال بدهد؛ هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از دو ماه حبس یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال بدهد. در صورتی که در موارد فوق حبس توأم با جزای نقدی باشد، به جای حبس، جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.» این قانون تا سال ۶۱ پابرجا بود تا با نسخ قانون مجازات عمومی توسط قانون راجع به مجازات اسلامی، چند سالی چنین مقرره‌ای وجود نداشت تا اینکه مقنن در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ در بند ۱ تبصره ۱۷ خود دقیقاً مشابه قانون مجازات عمومی بیان داشت: «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد،<sup>۱</sup> از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه

رعایت گردد، در تعیین این شرایط باید نیازهای جامعه، حقوق بزه‌دیده و مجرم رعایت شود. شرایط مذکور باید عملیاتی، دقیق و حداقلی باشد و هدف آن کاهش احتمال بازگشت مجرم به سمت ارتکاب جرم و افزایش احتمال بازاجتماعی شدن وی با در نظر گرفتن نیازهای بزه‌دیده باشد.

۱. تنها تفاوت نسبت به قانون پیشین همین بود که قانون پیشین دو ماه را معیار قرار داد، اما قانون جدید سه ماه را معیار قرار داده است و تخلفات رانندگی را نیز اضافه نمود.

حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد...<sup>۱</sup> تا اینکه قانونگذار مجدداً در سال ۷۳ در قالب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مواد معین در ماده ۳ خود بیان داشت: «قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضایی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید: ۱- در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نودویک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد، از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال صادر می‌شود...<sup>۲</sup>». قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز همسو با این رویه در تبصره ۲ ماده ۳ خود بیان می‌دارد: «در کلیه جرایمی که مجازات قانونی حبس تا سه ماه می‌باشد، قاضی مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی می‌باشد». بنابراین، با بودن تبصره ۱ ماده ۳ قانون وصول هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که کیفر کمتر از سه ماه حبس در حقوق کیفری ایران وجود ندارد و این جایگزین اجباری هم در مقررات عمومی و هم در خصوص نظامیان حکمفرماست؛ چیزی که رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ نیز بدان صحه گذاشت. این رویه وجود داشت تا اینکه قوه قضائیه در سال ۸۵ لایحه مستقلی را با عنوان «لایحه مجازاتهای اجتماعی» و بعد با عنوان «لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس» تهیه و به مجلس پیشنهاد نمود تا در نهایت، در کنار

۱. این رویه در مصوبات بعدی نیز ادامه داشت. در بند ۱۴ سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت قضایی مصوب ۷۹ ابلاغیه ۱۳۸۱/۷/۲۸ به صورت کلی یکی از سیاستهای اصلی نظام را عبارت می‌داند از: «بازنگری قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان». در سیاست کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ‌شده توسط مقام معظم رهبری در سال ۸۸ نیز بند ۱۲ بیان می‌دارد: «اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی» و نیز در ذیل امور حقوقی و قضایی سیاستهای کلی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه سال ۹۴ بیان شده است: «بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاهش از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازاتهای دیگر متناسب‌سازی مجازاتها با جرائم». در نهایت، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۹۶ در ماده ۱۱۳ بند ۳ از قسمت «ت» خود نیز بیان می‌دارد: «...قضات با لحاظ ظرفیت اعلام‌شده احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خوداری و با رعایت قوانین مربوط از تأسیس‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، آزادی مشروط و مجازاتهای جایگزین حبس استفاده خواهند نمود...»

۲. با وجود اینکه بند ۱ و ۲ ماده ۳ قانون فوق صراحتاً حکم حبس کمتر از نودویک روز را جایز نمی‌دانست، اما در عمل دادگاهها دچار اختلاف نظر شدند؛ به حدی که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ خود بیان داشت: «به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مواد معین مصوب ۷۳ در موضوعات کیفری در صورتی که حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد. بنابراین، تعیین مجازات کمتر از نودویک روز برای متهم مخالف نظر مقنن و روح قانون می‌باشد و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مزبور باشد، می‌بایست حکم به جزای نقدی بدهد...»

تصویب قانون مجازات اسلامی، قانونگذار فصل نهم از بخش دوم مجازات اسلامی را به «مجازات‌های جایگزین حبس» اختصاص دهد و ماده ۶۵ از ۲۳ ماده این فصل بیان می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است، به جای حبس، به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.» اگرچه این ماده مطلقاً تبدیل مجازات حبس را به مجازات جایگزین تعیین نموده است، اما با توجه به ماده ۶۴ همین قانون<sup>۱</sup> و نیز فحوای مواد و نیز کلیت مقررات حاکم بر کیفرهای جایگزین حبس نشان می‌داد که دادگاه در زمان اعمال ماده ۶۵ می‌بایست شرایط ماده ۶۴ را احراز می‌نمود؛ اما دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ خود برخلاف این استدلال بیان داشت: «از مجموع مقررات مربوط به مجازاتهای جایگزین حبس موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازاتهای جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده، مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد...». با این رأی، سردرگمی قانونگذار مشهود است؛ زیرا از یک سو با توجه به ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی که قابلیت اعمال بر ماده ۶۵ را نیز دارد و مقررات حاکم بر نهاد کیفر جایگزین حبس از جمله مواد ۷۰ و ۸۰ قانون مجازات اسلامی و نیز ممنوعیت تبدیل مجازات تخفیف‌یافته به کیفر جایگزین طبق ماده ۷۳ و نیز نسخ قسمتی از بند ۱ ماده ۳ قانون وصول که صراحتاً تبدیل حبس به جزای نقدی را پیش‌بینی کرده بود، طبق ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، نشان می‌دهد که هنوز کیفر کمتر از سه ماه حبس در حقوق کیفری ایران نقش پررنگی دارد. از سوی دیگر، وجود رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ دیوان عالی کشور و الزامی‌بودن تبدیل حبس، اضافه‌شدن تبصره به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی طبق ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری<sup>۲</sup> نشان از تمایل مقنن به عدم وجود کیفر سه ماه حبس را دارد. لذا، به عقیده نگارنده ضروری است تا تحلیل کنیم که آیا در حال حاضر

۱. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «مجازاتهای جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود.»  
 ۲. ماده ۶ بیان می‌دارد: «ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: ...چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.»

کیفر تا سه ماه حبس در حقوق کیفر ما برچیده شده است؟ یا اینکه هنوز جلوه‌هایی از کیفر حبس کمتر از سه ماه قابل دستیابی است. دوم اینکه این نگرش از حیث جرم‌شناسی چه جایگاهی را در جامعه دارد.

## پیشینه پژوهش

والهی و احسان پور (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی‌کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران»، به این موضوع پرداخته‌اند که کیفر حبس دارای نتایج و عواقب زیان متعددی بوده است و کشور ایران نیز به دلیل همین نتایج در راستای جامعه بین‌المللی و همسو با مباحث شرعی می‌بایست به مجازات‌های جایگزین رو بیاورد. ایشان مجازات‌های جایگزین را به دو دسته گونه‌های سنتی شامل آزادی مشروط، تعلیق اجرای محازات و جزای نقدی و گونه‌های نوین شامل دوره مراقبت، کار عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، اقامت در منزل و نگهداری در روزهای پایان هفته تقسیم می‌نماید.

خاکساری و غلامی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس» که بر اساس روش تحلیلی و آماری به مقوله کیفرهای جایگزین پرداخته است، بعد از بررسی میدانی کیفرهای جایگزین به این نتیجه می‌رسند که بیشترین استفاده از کیفرهای جایگزین مربوط به جزای نقدی می‌باشد و توجه به پرونده شخصیت در این خصوص ناچیز بوده است.

اکرمی و محمدیان (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «جایگزین مجازات حبس برای زنان در نظام عدالت کیفری ایران و کشورهای غربی: با نگاهی به رویکرد فقه اسلامی»، به این موضوع می‌پردازند که جایگزین کیفر برای زنان بسیار مهمتر و لازم‌تر می‌باشد و به دلیل آثار متعددی چون کم‌خطر بودن زنان بزهکار برای جامعه، شیوع اختلالات روان در میان زنان زندانی، بالا بودن نرخ خودآزاری زنان زندانی، تناسب کمتر محیط‌های زندان رایج برای زنان، بازدهی پایین کارکرد بازپروری زندان نسبت به زنان، برخورد نامناسب جامعه با زنان زندانی و آثار سوء زندانی شدن زنان بر فرزندان، اهمیت تبدیل کیفر حبس با مجازات‌های جایگزین را گوشزد می‌نماید.

## ادبیات نظری

در واقع، کلیه این تدابیر می‌تواند شامل «تدابیر عام کیفرها»، «تدابیر ویژه جایگزین‌های حبس» و «تدابیر کاربردی» باشد.

منظور از تدابیر عام کیفرها، تدابیری است که قانونگذار در خصوص همه کیفرها پیش‌بینی نموده است که در صورت تحقق شرایط، دادگاه می‌تواند آنها را نسبت به متهمین اعمال کند؛ تدابیری که برخی از آنها با عنوان «تدابیر عام جایگزین‌های حبس» یاد می‌کنند (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸: ۱۹).

منظور از تدابیر کاربردی، تبلور رویکرد مقنن در خصوص کیفر حبس تا سه ماه در جامعه است؛ اینکه نگاه متزلزل مقنن در این خصوص چه نتایجی رو می‌تواند در جامعه به دنبال داشته باشد، زیرا جرم‌شناسی کاربردی به دنبال تحلیل و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش جرم می‌باشد.

منظور از تدابیر ویژه جایگزین حبس نیز تدابیر جدید مربوط به کیفر حبس می‌باشد که در راستای فردی‌کردن کیفرها (کریمی، ۱۴۰۰: ۳) و به طور خاص، در مواد ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی بیان شده است. با توجه به آثار سوئی که کیفر حبس ایجاد نمود و نیز ناکارآمدی سیاست‌های افزایش استفاده از حبس نسبت به محکومان (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۳۸) و از سویی، با توجه به سیاست‌هایی که رهبر معظم انقلاب در اعلان سیاست‌های کلی قضایی و نیز در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند و همواره بر کاهش جمعیت زندانها و استفاده هر چه کمتر از کیفر حبس سفارش شده است، قانونگذار دست به ایجاد یک نهاد جدید حقوق کیفری اما تحت عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» نمود تا بتواند به اهداف خود جامعه‌ی عمل ببوشاند و چون تا قبل از این نهاد، کیفرهای تا سه ماه حبس طبق تبصره ۱ ماده ۳ قانون وصول به جزای نقدی تبدیل می‌شوند، اولین سؤال این بود که با وجود مجازات‌های جایگزین حبس، آیا تبصره ۱ ماده ۳ نسخ گردیده است یا خیر؟ گروهی از حقوقدانان با توجه به عدم تعارض واقعی بین آنها و طبق قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» قائل به عدم نسخ تبصره فوق طبق قواعد جایگزین حبس بودند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریات متعدد خود از جمله نظریه‌های شماره ۱۰۵۳/۷ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ و ۱۴۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۲ و نظریه ۱۱۶۳/۷ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۸ و ۱۳۸۰/۷ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ قائل به عدم نسخ بودند، اما گروهی دیگر از حقوقدانان نسخ تبصره یک ماده ۳ را ارجح می‌دانستند (منصورآبادی، ۱۴۰۱: ۸۳). اگرچه با توجه به الزام دادگاه به تبدیل کیفر حبس طبق

تبصره یک ماده ۳ قانون وصل و عدم وجود شرایط و ضمانت اجراهای متعدد، وجود این ماده بسیار مناسب بود، اما مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در خصوص کیفر تا سه ماه حبس به این اختلافات پایان داد و در ماده ۱۵ خود بیان داشت: «متن زیر به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می‌شود: «عبارت (حداکثر مجازات کمتر از نودویک روز حبس و یا) از بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مواد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸... حذف می‌شود...». با حذف این ماده تنها می‌توان طبق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، مرتکبین جرائم تعزیری درجه هشت را تا وقتی که کیفر حبس برای آن تعیین گردیده، به مجازاتهای جایگزین حبس تبدیل نمود؛ اما به دلیل این که این تبدیل به چند دلیل متزلزل است، شاید نتواند مقنن را به اهداف اولیه و اصلی خود برساند؛ زیرا اول اینکه مجازاتهای جایگزین حبس نه تنها جزای نقدی ثابت و مشخص، بلکه شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است. دوم اینکه این مجازاتهای جایگزین می‌تواند به دلایلی اجرا نگردد؛ در این صورت، همان مجازات اصلی تحت شرایطی اجرا می‌گردد. سوم اینکه مجازات اصلی همچنان در رأی دادگاه قید می‌گردد و جزئی از متن رأی دادگاه است. چهارم اینکه به دلیل شرایط متعدد و متنوع آن، نوعی بی‌رغبتی را در قضاات جهت استفاده ایجاد می‌کند.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش را نیز به ترتیب به موارد عام کیفرها، تدابیر ویژه و تدابیر جرم‌شناسانه اختصاص داده و تشریح می‌نماییم:

### ۱. تدابیر عام کیفر

#### ۱-۱. مجازات‌های تکمیلی

مقنن در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی برای مجرمینی که مجازاتهای اصلی برای آنها ناکافی می‌باشد، یکسری مجازاتهایی را پیش‌بینی کرده و اختیار تعیین آنها را برعهده دادگاه گذاشته است تا قاضی در صورت صلاحدید متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب، یک یا چند مورد از آنها را تا مدت دو سال تعیین نماید. اما نکته اینجاست که ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی به عنوان ضمانت اجرای آن بیان می‌دارد: «چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام (در صورت تکرار) بقیه مدت محکومیت را به حبس... درجه هشت تبدیل می‌کند...» و طبق

ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، کیفر حبس درجه هشت همان حبس تا سه ماه می‌باشد که با پیش‌بینی قانونگذار و توسط دادگاه صادرکننده حکم صادر می‌گردد.

## ۲-۱. تعویق صدور حکم

یکی از گزاره‌های حقوق کیفری که قانونگذار برای کاهش مجرمین پیش‌بینی کرده است، تعویق صدور حکم<sup>۱</sup> می‌باشد. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد...». بنابراین، به تعویق انداختن حکم محکومیت در خصوص مجرمی است که مجرمیت ایشان محرز گردیده است، لذا قاضی با وجود احراز مجرمیت، صدور حکم محکومیت متهم را به تعویق می‌اندازد؛ اما بعد از صدور حکم تعویق ممکن است دو گونه اتفاق رخ دهد: اول، در زمان تعویق صدور حکم: در این زمان ممکن است مرتکب یا از دستورهای صادره از سوی دادگاه تبعیت نکند و یا اینکه مرتکب جرائم حدی، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت گردد که در این صورت حسب مورد، دادگاه می‌تواند یا باید حکم محکومیت صادر کند.<sup>۲</sup> دوم اینکه مدت تعلیق خاتمه یابد: در این صورت، دادگاه با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز وضعیت مرتکب می‌تواند کیفر تعیین نماید<sup>۳</sup>. البته، در این حالتها، اگرچه قانونگذار مطلقاً بیان داشته که دادگاه حکم محکومیت صادر می‌کند، اما این موضوع نافی استفاده قاضی از کیفرهای جایگزین نیست. به سخن دیگر، قانونگذار تنها صدور حکم را به تعویق انداخته است و اگر قرار بر این شد که حسب مورد حکم صادر نماید، باید طبق کیفرهای جایگزین حبس از جمله ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، کیفر جایگزین را تعیین نماید.

### 1. Suspension de la sanction

۲. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در مدت تعلیق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعلیق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای بار اول تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.»

۳. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «پس از گذشت مدت تعلیق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.»

## ۳-۱. تعلیق اجرای حکم

در خصوص مرتکبین جرائم تعزیری درجه سه تا هشت، قانونگذار یک گزاره دیگری با عنوان تعلیق اجرای مجازات<sup>۱</sup> پیش‌بینی کرده است. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> همانند تعلیق تعقیب در صورت وجود شرایطی، آن را پیش‌بینی کرده است که دادگاه می‌تواند اجرای مجازات مجرم را از یک تا پنج سال معلق نماید. در واقع، در این حالت، رفتار مجرمانه‌ی مرتکب ثابت شده و قانونگذار خواسته است در راستای اصل فردی‌کردن مجازات‌ها اگر بدون اجرای حکم نیز مرتکب اصلاح می‌گردد، از اجرای کیفر خوداری کند (رستمی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). با این وجود، این تعلیق بدون ضمانت اجرا نیست (Champion, 1988: 67). در واقع، قانونگذار در چند حالت امکان لغو تعلیق و اجرای حکم را پیش‌بینی کرده است. نخست، حالتی که مرتکب سابقه مؤثر کیفری<sup>۳</sup> یا سابقه حکم تعلیقی دارد. ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد که اگر بعد از صدور قرار تعلیق، دادگاه و یا حتی دادستان و قاضی اجرای احکام مطلع شوند که محکوم دارای سابق محکومیت مؤثر کیفری است یا سابقاً محکومیت قطعی تعلیقی داشته باشد، قرار تعلیق لغو می‌شود و طبیعی است که محکومیت اصلی که می‌تواند تعزیر درجه هشت باشد، اجرا می‌گردد. دوم حالتی که محکوم در مدت مجازات تعلیق‌شده مرتکب جرم عمدی دارای مجازات حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت گردد. در این صورت، با قطعیت این موضوع، قرار تعلیق لغو و حکم محکومیت اجرا می‌گردد.<sup>۴</sup> سوم حالتی است که محکوم در مدت تعلیق از دستورهای دادگاه بدون عذر موجه تبعیت نکند.<sup>۵</sup>

### 1. Suspension of punishment execution

۲. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین، محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

۳. منظور از محکومیت مؤثر طبق تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم کند.»

۴. ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود.»

۵. ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است، در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای

توضیح اینکه همانند تعلیق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات نیز می‌تواند همراه با تدابیر مراقبتی باشد.<sup>۱</sup> در این صورت، اگر مرتکب بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند که دادگاه در مرتبه اول اختیار دارد یا تعلیق را لغو و یا مدت تعلیق را افزایش دهد؛ اما اگر در مرتبه دوم تخلف نماید، قطعاً تعلیق لغو و حکم مجازات اجرا می‌شود که در این حالت، حکم اجرا شده می‌تواند حبس درجه هشت باشد.

## ۲. تدابیر ویژه جایگزین حبس

### ۲-۱. تخلف از حکم یا دستورهای دادگاه

حتی زمانی که مرتکب به کیفر جایگزین حبس محکوم شده، شاید تصور شود دیگر به هیچ وجه کیفر حبس را نخواهد دید؛ اما یکی از حالت‌هایی که ممکن است فرد محکوم در مدت زمان کیفرهای جایگزین به آن دچار گردد، تخلف از مفاد حکم یا دستورهای دادگاه است. توضیح اینکه اکثر کیفرهای جایگزین اجرای آنها لحظه‌ای و آنی نیست، بلکه در گذر زمان محقق و اعمال می‌شود و این زمانبر بودن ممکن است باعث تخلف مرتکب از مفاد حکم گردد. ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم... تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست، یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.» بر اساس این ماده، حکم دادگاه به دو بخش تقسیم می‌شود: نخست، حکم به کیفر جایگزین به صورت مستقل و فاقد دستور. دوم، در کنار کیفر جایگزین، یک‌سری دستورها را نیز دادگاه تعیین می‌کند. در حالتی که کیفر جایگزین حبس به صورت تنها و مستقل باشد، اگر مرتکب تخلف نماید، در مرتبه اول تنها به مدت زمان کیفر جایگزین افزوده می‌شود؛ اما در مرتبه دوم، کیفر حبس که می‌تواند حبس کمتر از سه ماه باشد، اجرا می‌شود.

در حالتی که دادگاه در کنار کیفر جایگزین، یکسری دستورها را طبق مواد ۲۳، ۲۶ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌کند، حال اگر مرتکب از اجرای این دستورها تخلف نماید نیز ماده ۸۱ بیان می‌دارد: «چنانچه محکوم از اجرای... دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد

احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود.»

۱. ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌دارد: «تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد.»

قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست، یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود.»

## ۲-۲. تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس

در مواردی ممکن است کیفر جایگزینی که برای مرتکب در نظر گرفته شده است، اجرای آن به دلیل تعذر ممکن نباشد. در واقع، تعذر به معنای «ناممکن شدن» و «سخت شدن» آمده است و شاید منظور حالتی است که باعث شود اجرای مجازات جایگزین با مشکل اساسی مواجه گردد. در این حالت، طبق ماده ۷۰، مجازات حبس اجرا می‌شود. ماده ۷۰ بیان می‌دارد: «دادگاه ضمن تعیین کیفر جایگزین حبس، مدت کیفر حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین... مجازات حبس اجرا شود.»

## ۲-۳. ایجاد مانع عمدی در اجرای کیفر جایگزین

برخی مواقع، کیفرهای جایگزینی که تعیین گردیده است، تمام یا بخشی از آن با مانعی مواجه می‌گردد؛ به نحوی که اجرای مجازات جایگزین متوقف می‌شود. در این صورت، بعد از آنکه مانع برطرف گردد، مجدداً کیفر جایگزین اجرا می‌گردد. اما برخی مواقع ممکن است این مانع توسط رفتار عمدی شخص مرتکب و در واقع، در راستای متوقف کردن اجرای مجازات ایجاد شده باشد. در این صورت، این مانع نشان از نیت شوم مجرم برای رهایی از اجرای کیفر و در واقع، عدم اصلاح مجرم دارد و در این حالت، مجازات اصلی که می‌تواند همان حبس تا سه ماه باشد، اجرا می‌شود. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازاتهای جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع، اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجراء می‌شود.» به سخن دیگر، اگر این مانع به دنبال دو شرط باشد، کیفر حبس اجرا می‌گردد: اول اینکه این مانع عمدی ایجاد شده باشد. دوم اینکه مرتکب به قصد متوقف کردن مجازات، این مانع را ایجاد کرده باشد. در صورت وجود این دو شرط، کیفر اصلی که همان حبس می‌تواند باشد، اجرا می‌شود.

## ۴-۲. عجز از پرداخت جزای نقدی

در حالتی ممکن است کیفر جایگزینی که برای مرتکب در نظر گرفته شده، جزای نقدی بوده، اما مرتکب ناتوان از پرداخت جزای نقدی باشد؛ به صورتی که نه مالی به جز مستثنیات دین دارد که بتواند معرفی کند و نه توان پرداخت جزای نقدی را دارد که در این حالت، ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر مواد ۸۵ بیان می‌دارد: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت... عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.» به خصوص که کیفر جزای نقدی به عنوان کیفر جایگزین حبس، تعداد زیادی از احکام مربوط به مقررات جایگزین را به خود اختصاص داده است و قضات تمایل زیادی به صدور این کیفر به عنوان کیفر جایگزین دارند (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸: ۲۴).

## ۳. تدابیر کاربردی

### ۳-۱. بُعد قضایی

منظور از بُعد قضایی، توجه به این نکته است که آیا دادگاهها در بحث کیفرهای جایگزین در خصوص حبس کمتر از سه ماه به این مقوله توجه می‌کنند؟ به سخن دیگر، دادگاهها در زمان صدور رأی در مورد مجرمی که مجازات قانون آن جرم تا سه ماه حبس است، چگونه باید برخورد نمایند؟ به دلیل آثار سوء متعددی که برای کیفرهای کمتر از سه ماه حبس برمی‌شمارند،<sup>۱</sup> مقنن تلاش نمود تا کیفر کمتر از سه ماه حبس را از سیستم قضایی ما حذف نماید؛ اما این نگاه مقنن در عمل موفقیت‌آمیز نبود. دلیل اول عدم موفقیت مربوط به نبود ساختار مناسب و دوم، هموارنشدن زمینه فرهنگی آن در جامعه می‌باشد؛ زیرا جامعه هنوز نپذیرفته که می‌توان مجرم را بدون حبس و از طرق دیگر مانند ارائه خدمات عمومی، کیفر داد؛ زیرا هنوز جامعه منتظر است تا هر مرتکب را نسبت به نوع رفتار مجرمانه به شدت باهش برخورد نمود (ashworth, 2015: 113). قضات نیز که از بطن جامعه برمی‌خیزند و برگرفته از این فرهنگ و تفکر هستند، قطعاً انتظار می‌رود که مطابق با این فرهنگ عمل نمایند و نه مغایر با این فرهنگ؛ که این موضوع برگشت به دو دلیل دارد: نخست، عدم هموارسازی زمینه‌های قانونی این کیفر جایگزین می‌باشد، زیرا مطابق با ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی،

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله خدادادی، ابوالقاسم و عطف، حسین علی. (۱۴۰۱). تحلیل آراء قضایی مرتبط با مجازاتهای جایگزین حبس (با تاکید بر مجازات خدمات عمومی رایگان)، فصلنامه دیدگاههای حقوقی قضایی، ۲۷(۹۵)، ۷۹.

کیفرهای جایگزین حبس متعدد می‌باشد که می‌بایست دادگاه در زمان صدور حکم مطابق با عوامل و جهاتی که مربوط به جرم یا مجرم و بزه دیده است، مانند ملاحظه نوع جرم، کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن مهارت، وضعیت، شخصیت، سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال دست به صدور حکم بزند و لازمه این ویژگیهای متعدد و متنوع می‌بایست تنوع در صدور احکام جایگزین باشد، چیزی که در عمل اتفاق نمی‌افتد و قضات بیشتر در عمل از کیفر جزای نقدی استفاده می‌کنند (خدادادی و عطوف، ۱۴۰۱: ۸۵)؛ چیزی که قانونگذار با حذف قسمتی از قانون وصول بر این نگرش خط بطلان کشید، زیرا طبق این قانون همه مرتکبین می‌بایست به جای حبس تا سه ماه، به جزای نقدی محکوم شوند؛ صرفنظر از ویژگیهای متعدد درونی و بیرونی؛ چیزی که بدور از سیاست و هدف قانونگذار بود، لذا در قانون کاهش مجازاتهای حبس تعزیری حذف گردید و قانونگذار تمایل دارد تا قضات در زمان صدور حکم با توجه به ویژگیهای ناظر بر شخص و شخصیت مرتکب، ویژگیهای ناظر بر جرم و ویژگیهای ناظر بر بزه دیده، دست به تعیین کیفر جایگزین بزنند و حتی قانونگذار با عبارت «سایر اوضاع و احوال» نخواستند این موارد را محدود و شمارشی کند؛ بلکه قصد داشته تا جنبه پویایی این موارد حفظ گردد و هر زمانی که یکسری موارد نو اهمیت پیدا کرد، بتواند مورد توجه قاضی در صدور کیفر جایگزین قرار گیرد؛ چیزی که متأسفانه در عمل محقق نگردیده و فراوانی کیفرها در خصوص کیفر جزای نقدی جایگزین، دلیل این استدلال است. دوم، عدم همخوانی نگاه مقنن با هیات عمومی دیوان عالی است؛ زیرا مقنن در ماده ۶۴ خود تحقیق کیفرهای جایگزین را منوط به احراز شرایط قرار داد و در عین حال که جایگزین کیفر تا سه ماه حبس را الزامی دانست، اما مطابقت آن را با شرایط ماده ۶۴ نیز الزامی نمود؛ چیزی که قابل قبول بود تا اینکه هیات عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۷۴۶ خود صراحتاً بیان داشت که «تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره (ماده ۶۵...) الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی... نمی‌باشد»، گویی الزامی بودن آن با رعایت شرایط ماده ۶۴ قابل جمع نیستند؛ مگر اینکه چنین تفسیر نماییم که منظور از شرایط مقرر در ماده ۶۴ طبق رأی شماره ۷۴۶، همان شروط «گذشت شاکی و جهات تخفیف» باشد و سایر شرایط را دادگاه باید رعایت نماید که این استدلال نیز با توجه به نحوه نگارش رأی دیوان عالی کشور و استفاده از کلمات «شرایط مقرر در ماده ۶۴» و عبارت «از قبیل» دور از ذهن است و به نظر می‌رسد که تمامی شرایط مندرج در ماده ۶۴ را منظور داشته است.

## ۲-۳. بُعد اجرایی

منظور ما از بُعد اجرایی، اتفاقاتی است که بعد از صدور حکم می‌افتد. به سخن دیگر، زمانی که دادگاه به کیفر جایگزین حبس حکم می‌دهد و در مرحله بعد، آیا این کیفر لزوماً عملیاتی و اجرایی می‌شود یا خیر؟ با توجه به صحبت‌هایی که در صفحات قبل گردید، پیداست که این رأی نیز می‌تواند تحت شرایطی حتی به اجرا نرسد و یا حتی شدیدتر از آن می‌تواند این کیفر سه ماه حبس مجدد اجرا گردد که این بسیار دور از هدف و رسالت مقنن در این خصوص و بدور از سیاست مقنن می‌باشد و به نوعی، نقض غرض اتفاق می‌افتد. توضیح اینکه مواد ۷۰، ۸۱ و ۸۲ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای عدم اجرای حکم را پیش‌بینی نموده است و در هر سه این مواد تحت شرایطی اجرای حکم حبس را قابل اجرا دانسته‌اند. اما این نحوه نگارش مقنن می‌تواند نقض غرض به شمار آید، زیرا وقتی تحلیل می‌شود و بر اساس بحث‌های جرم‌شناسانه به این نتیجه می‌رسیم که کیفر حبس تا سه ماه به هیچ وجه پذیرفته نیست و خلاف اهداف جرم‌شناسانه است، این دیدگاه مطلق و غیرقابل تفسیر می‌باشد و تفاوت نمی‌کند که شما به عنوان کیفر اصلی مرتکب را به حبس محکوم کرده‌اید یا به عنوان ضمانت اجرای عدم اجرای کیفر اصلی. در هر دو صورت، کیفر حبس معقول نخواهد بود و نمی‌تواند هدف ما را تأمین نماید؛ زیرا یکی از مقوله‌های مهم در زمینه بحث هدفمند کردن کیفرها، عدم جمع‌پذیری کیفرها با هم است. در واقع، با پذیرش جمع‌ناپذیری اهداف مجازات‌ها، قانونگذار می‌بایست هدف اصلی خود را از کیفر مشخص نماید و تعیین نماید که دنبال کدام یک از اهداف اصلاح، ارباب، ناتوان‌سازی یا سزادهی است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۶).

وقتی هدف مشخص شد و دست یافت که تعیین کیفرهای جایگزین ما را به اهداف خود می‌رساند، باید تماماً همت خود را برای رسیدن بدان بکار بندد؛ زیرا در اجرای یک کیفر نمی‌توان همزمان اهداف متعدد را دنبال نمود (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۳۹) و به همه آنها نیز دست یافت<sup>۱</sup>. قاعدتاً، وقتی شما طبق اصل تناسب و کمینه، دست به جایگزینی کیفر حبس زده‌اید و حبس را ناموجه برای رسیدن به هدف می‌دانید، نمی‌توانید در قالب ضمانت اجرا بلافاصله این کیفر را اجرا نمایید. بنابراین، اگر کیفر حبس تا سه ماه نادرست است، برای همیشه و تحت هر شرایط نادرست است و نمی‌تواند به عنوان ضمانت اجرای عدم اجرای کیفر جایگزین یا عدم اجرای برخی دستورها موجه گردد. از این رو، بهتر است که مقنن برای ضمانت اجرای مواد

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: حاجی ده‌آبادی، محمد علی و سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند، پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۹)، ۱۳۴-۱۰۱. و نیز رستمی، هادی. (۱۳۹۵). تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷(۲)، ۱۵۵-۱۳۲.

۷۰، ۸۱ و ۸۲ قانون مجازات اسلامی، از راهکارهای دیگر مانند تشدید مجازات جایگزین یا جایگزینی کیفر با کیفر جایگزین دیگر استفاده نماید، نه اینکه بخواهد بلافاصله کیفر حبس را مثلاً، به دلیل تخلف از دستورها بر مرتکب بار نماید.

## بحث و نتیجه‌گیری

علی‌رغم اینکه قانونگذار زمان قبل از انقلاب ابتدا، در قالب قانون «امکان تبدیل حبس در امور خلافی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» مصوب ۱۳۰۷ و بعد، به صورت کاملتر در قانون مجازات عمومی ۵۲ از معایب کیفر حبس کوتاه‌مدت مطلع گردید و قصد داشت تا تعداد محکومین این کیفرها را کاهش دهد، لذا دست به جایگزینی کیفر حبس با جزای نقدی زد. این اقدام مقنن مورد حمایت اندیشمندان حقوق کیفری و همسو با نظریات جرم‌شناسان در حوزه کیفرهای حبس کوتاه‌مدت و معایب متعدد آن کیفرها قابل توجیه بود؛ چیزی که مقنن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بدان عمل نمود و محکومین حبس تا سه ماه را ملزم به تبدیل به جزای نقدی می‌دانست. این واقعیت که با پشتوانه‌ی علمی و قابل دفاع بود، اما در قوانین جدید دچار چالش گردید؛ زیرا که قانون مجازات اسلامی در عین ایجاد نهاد جدیدی چون کیفرهای جایگزین حبس اگرچه مقررات آن را متعدد و انعطاف‌پذیر کرد، اما متأسفانه از واقعیت اولیه خود که همان ممنوعیت افراد به کیفر کمتر از سه ماه حبس بود، دور افتاد و با اتخاذ تدابیر و ضمانت‌های مجریه‌ی مختلف باعث گردید که تحت شرایطی همچنان کیفر حبس وجود داشته و قابل اعمال باشد و دادگاه بتواند تحت شرایطی این کیفر را برگشت‌پذیر بداند. اگرچه سیاست دیوان عالی کشور قدری از این نگرش را کاهش داد، اما همچنان دغدغه‌ی کیفردهی محکومین به حبس کمتر از سه ماه وجود دارد و جا دارد تا مقنن با پیش‌بینی راهکارهایی جلوی این موضوع را بگیرد و کلاً، امکان تعیین یا تبدیل کیفر به سه ماه حبس را ممنوع نماید؛ زیرا در حال حاضر، کیفر حبس نمی‌تواند متناسب با سیاست‌های اتخاذی باشد. از این رو، مقنن می‌بایست دو راهکار را در پیش گیرد: نخست، مقرراتی مناسب را پیش‌بینی نماید که تحت هیچ شرایطی و حتی در صورت عدم اجرای کیفر جایگزین، کیفر اصلی اعمال و اجرا نگردد؛ زیرا کیفر حبس تا سه ماه با توجه به یافته‌های جرم‌شناسی نمی‌تواند مناسب و راهگشا باشد. دوم اینکه این تدابیر را همسو با شرایط جامعه و میزان پذیرش آنها از یک سو و از سوی دیگر، میزان توانایی قضات در نظر بگیرد تا اثر مناسبی داشته باشد و بتواند اهداف کیفرگزینی را به بهترین نحو تأمین نماید.

## پیشنهادها

- ۱- حذف کلی کیفر کمتر از سه ماه در تمامی مقررات چه به عنوان کیفر اصلی و چه به عنوان کیفر جایگزین یا ضمانت اجرای کیفر جایگزین.
- ۲- تدوین مقررات جایگزین متناسب با فرهنگ جامعه و دستاوردها و قابلیت‌های کشور.
- ۳- ارتقاء فرهنگ جامعه و تغییر نگاه آنها مبنی بر اینکه هر جرمی را نباید با کیفرهای سنتی پاسخ داد و راهکارهای نوین و در عین حال، به‌روز و با نتایج مناسب و کم‌هزینه‌تر هم وجود دارد که می‌تواند مناسب باشد.
- ۴- ارتقاء دانش قضات و جلب توجه بیشتر آنها به شخصی‌سازی کیفرها در جهت متناسب‌کردن کیفرهای جایگزین با شخصیت مجرمین.

## سپاسگزاری

از تمامی دست‌اندرکاران محترم فصلنامه وزین پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی مخصوصاً داوران گرانقدر، ویراستاران و صفحه‌آرای محترم که در تدوین، ویراستاری و چاپ این نوشته تلاش نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال برای آنها آرزوی توفیق را خواستارم.

## منابع

- اسفندیاری، محمد صالح. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناسانه زندان، تولد و استمرار زندان از نگاه دورکهایم، فولک، وبر و الیاس. تهران، انتشارات مجد.
- اکرمی، روح اله و محمدیان، نرگس. (۱۴۰۰). جایگزین مجازات حبس برای زنان در نظام‌های عدالت کیفری ایران و کشورهای غربی: با نگاهی به رویکرد فقه اسلامی. پژوهش تطبیقی اسلام و غرب، ۶(۴)، ۱-۳۴.
- [https://csi.w.qom.ac.ir/article\\_2087.html](https://csi.w.qom.ac.ir/article_2087.html)
- پرادل، ژان. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات سمت.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و سازکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند. پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۹)، ۱۰۱-۱۳۴.
- [https://jclr.atu.ac.ir/article\\_10799.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_10799.html)
- خاکساری، داوود و غلامی، حسین. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر صدور مجازاتهای جایگزین حبس. پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۸)، ۴۰-۹.
- [https://jclr.atu.ac.ir/article\\_9616.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_9616.html)
- خدادادی، ابوالقاسم و عطوف، حسین علی. (۱۴۰۱). تحلیل آراء قضایی مرتبط با مجازاتهای جایگزین حبس (با تأکید بر مجازات خدمات عمومی رایگان). دیدگاههای حقوق قضایی، ۲۷(۹۷)، ۷۷-۱۰۵.
- [https://jlvviews.ujss.ac.ir/article\\_703706.html](https://jlvviews.ujss.ac.ir/article_703706.html)
- رستمی، هادی. (۱۳۹۵). تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷(۲)، ۱۵۵-۱۳۲.
- [https://joi.guilan.ac.ir/article\\_2032.html](https://joi.guilan.ac.ir/article_2032.html)
- ریاضت، زینب. (۱۳۹۷). نقش اسناد بین‌المللی و حقوق بشری در تحول کیفر حبس و جایگزین حبس. کانون وکلای دادگستری، ۱۷(۱)، ۱۷-۲۶.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1423055>
- غلامی، میثم و ملکی، امین. (۱۳۹۴). مجازات‌های جایگزین حبس و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۰(۳۷)، ۱۶۹-۱۳۲.
- [http://cps.jrl.police.ir/article\\_13669.html](http://cps.jrl.police.ir/article_13669.html)
- کریمی، محمد کاظم. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مجازاتهای جایگزین حبس بر بازاجتماعی‌شدن مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم. فصلنامه قانون یار، ۵(۱۹)، ۲۰-۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1862173>
- منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی ۳. چاپ دوم، نشر میزان.
- والهی، حمید و احسان پور، سیدرضا. (۱۳۹۵). جایگاه جایگزینهای مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران. مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۵)، ۲۷۸-۲۴۷.
- [https://nashr.majles.ir/article\\_143.html](https://nashr.majles.ir/article_143.html)

- Ashworth, Andrew. (2015). *Sentencing and criminal justice*. Cambridge, Cambridge university press.
- Braithwaite, John & Petit, Philip. (1994). *The rise of republican sentencing, current issues in criminal justice*. Current issues in criminal justice, volume 5.
- Champion, Deany. (1988). *Felony probation*. New York, Preager publishers.
- Halleby, Gabriel. (2013). *The right to be punished*. Modern doctrinal sentencing. Heidelberg, Springer, 1-49.